

بررسی راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم

مصطفی صدیق *

چکیده

جرم پدیده‌ای است که عوامل گوناگون دارد. بعضی از این عوامل ممکن است موروثی و بعضی دیگر اکتسابی باشند. معمولاً مجرمان انسانهای ناهنجار و بیماری هستند که می‌خواهند با ارتکاب جرم غرایز خود را ارضا نمایند و به علت بیماری که دارند (اما خود نیز متوجه نیستند تا درمان کنند بلکه از این بیماری لذت می‌برند) به جرم اقدام و در جامعه ناامنی، ناهنجاری، بی‌بند و باری و ترس و وحشت ایجاد می‌کنند. با توجه به اینکه قوه قضائیه، مسؤلیت کشف جرم و زدودن آن را از جامعه دارد و چون هر فردی از افراد جامعه مسؤلیت همفکری در خاموش کردن و از بین بردن این آتش خانمانسوز احساس مسؤلیت می‌کند، لذا در این مقاله راهکارهایی ارائه داده شده که امید است مورد توجه دست‌اندرکاران قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: جرم، مجازات، پیشگیری

اصلاح مجرم باید قبل از تولد شروع شود

از نظر روانشناسی و علوم تربیتی موقعیت فشارزا، سامانه خانواده را مختل می‌کند. بهداشت روانی والدین در جنین و نیز بعد از تولد در ساختار کودک و نوجوان تأثیر می‌گذارد. اگر مادر با استرس و دلهره زندگی کند، در جسم و روان کودک اثر منفی خواهد گذاشت. پس بحران روانی و بهداشت روانی کودک، قبل از تولد شکل می‌گیرد. بنابراین خانواده به عنوان اولین محیط اجتماعی تأثیرات عمیقی در انتقال ارزشهای اخلاقی و اجتماعی، باورها و گرایشها دارد. والدین آگاهانه یا ناآگاهانه در شکل دادن به شخصیت و رفتارهای جوانان نقش بسزایی دارند.

می‌گویند عامل ارتکاب جرم، بیماریهای روانی هستند و در پیدا شدن بیماریهای روانی عوامل متعددی دخیلند که به چند عامل اشاره می‌شود:

۱- تفاوت‌های طبقاتی ۲- تفاوت‌های جنسی ۳- تأثیرات محیطی ۴- عوامل دیگری مانند: بیکاری، واکنشهای اجتماعی، بحرانهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، عدم ثبات در اقتصاد، عدم ازدواج به موقع و...

اگر ما بخواهیم به توسعه انسانی - که زیر ساخت توسعه پایدار است - برسیم باید آحاد سالم، فعال و آگاه داشته باشیم و فراهم نمودن زمینه و گستردن سفره این نعمت از وظایف دولتمردان است. در حکومت اسلامی بزرگترین رسالت مسئولین پروراندن و ورزیده ساختن انسانها به اندیشیدن و تلاش آگاهانه جهت ساختن جامعه سالم، پویا و پیشرو است.

بدیهی است که وجود جرایم در جامعه، توفیق رسیدن به این هدف مقدس را کم می‌کند. ممکن است یک حکومت به بعد مادی زندگی جامعه بیشتر توجه کند و زمینه برخورداری اکثریت مردم از رفاه را فراهم نماید، ولی این بعد می‌تواند آسایش انسان را تأمین کند و اگر در بعد اصلاح و تقویت ایمان و باورهای باطنی انسان به دین توجه نداشته باشیم سلامت روانی جامعه را نادیده گرفته و آرامش ایجاد نکرده‌ایم؛ زیرا سلامت روانی باعث حرکت در جاده تعالی و کمال انسانی و مانع

افتادن در مسیر انحرافی می‌شود و سعادتمندی و نیک بختی را به ارمغان می‌آورد. رفتار افرادی که از سلامت روان برخوردار نیستند، هم برای خود و هم برای افراد خانواده و جامعه مشکل آفرین هستند. بدین جهت اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی را برای ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی موظف کرده است.

کلید نجات از رنج روانی و اضطراب ایمان است

ایمان باعث آرامش دل، قوت روح و در نتیجه تعادل رفتار است. انسانهایی هستند که از بهترین زندگی مادی برخوردارند، اما گرفتار طوفان روح و افسردگی و ناامیدی‌اند و زندگی مادی، آنها را به آسایش رسانده ولی به آرامش نرسانده است و برای آنها سودی ندارد و همیشه دنبال یک گمشده‌ای هستند که خود نیز نمی‌دانند چه چیز را گم کرده‌اند.

« کسی که در اندرون خود جهنمی دارد بهشت بیرون چه سودی برایش خواهد

داشت.»

امام علی (ع) می‌فرمایند:

« عجب لمن ینشد ظالته و قد اضل نفسه فلا یطلبها»

(در شگفتم از کسی که چون چیزی را گم می‌کند به جستجوی آن می‌پردازد، اما چون

«خود» را گم می‌کند آن را نمی‌جوید.)

به نظر می‌رسد که دولتمردان قبل از مجازات مجرمین باید بیشتر به اصلاح مجرمین بپردازند؛ زمینه‌های عدم وقوع جرم را فراهم کنند و عوامل ارتکاب به جرم را از بین ببرند. شما می‌بینید که قرآن نیز همین راه را برای ما نشان می‌دهد. پیامبران که دولتمردان زمان (به ویژه پیامبران اولوالعزم) بودند و برای پیروان خود الگو بودند، نه برای مجازات مجرم بلکه برای اصلاح مبعوث شده بودند تا در دل انسانها ایمان را - که در فطرت آنها نهاده شده- احیاء کنند و اگر ایمان احیاء شود انسانها حقوق همدیگر

را رعایت خواهند کرد و کسی به خود اجازه تجاوز به حق دیگری را نخواهد داد؛ لذا خودشان به رعایت قسط قیام خواهند کرد.

«لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»
 (ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق و قوانین عادلانه) نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند.) «سوره حدید/۲۵»

یعنی مردم چنان ساخته شوند که خود مجری عدالت گردند و این راه را با پای خویش بپویند.

وظیفه دولتمردان است که زمینه‌های ارتکاب به جرم را از بین ببرند و عوامل جرم را کشف کنند و آن عاملی که مجرم را به مجرم وادار کرده، بزدایند و باز هم اگر اصلاح نشد او را مجازات کنند و حدود اسلامی را در مورد او اجرا کنند و به سزای عملش برسانند.

با توجه به اینکه در یک جامعه انسانی هر قدر سطح اخلاق و اعتقاد و تقوا بالا باشد، باز افرادی پیدا می‌شوند که سر به طغیان و گردن کشی بر می‌دارند و مانع اجرای قسط و عدل می‌شوند لذا قرآن در ادامه آیه همین راهکار را ارائه کرده است :
 «وانزلنا الحديد فيه بأس شديد...»

(و آهن را نازل کردیم که در آن قوت شدیدی است.)

ما باید از حربه بازداشت و محکوم به زندان کمتر استفاده کنیم؛ چون، تعدادی هستند که از زندان می‌ترسند، ولی وقتی که یک بار وارد آنجا شدند خوف باطنی در آنها از بین می‌رود و در نتیجه این عامل بازدارنده در آنها نقش خود را از دست می‌دهد. قوه قضائیه در عمل به مفاد اصل ۱۵۶ قانون اساسی به ویژه در مورد بند ۴ و ۵ باید توجه بیشتر داشته باشد و از نیروهای مؤمن و متعهد استفاده نماید.

چند پیشنهاد برای رسید به این هدف و پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین :

۱- آموزش والدین در جهت تنظیم روابط بین اعضا ، با رعایت اصول و موازین اخلاقی، روح همکاری ، تعاون و همنوایی در کودکان و نوجوانان . (البته این آموزش اگر به وسیله آموزش و پرورش انجام گیرد بهتر است.)

۲- ایجاد اشتغال برای جوانان؛ چون بیکاری مهمترین عامل ارتکاب جرم است. (دست دزد را باید از دزدی قطع کرد.)

چون انسان بیکار از وسیله تأمین نیازمندیهای، که هر انسانی مستحق آن است محروم می‌ماند، مقاومت وی در برابر وسوسه‌های مجرمانه (سرقت، اختلاس، استلاب، رباخواری، کلاهبرداری و...) ضعیف می‌شود و گاهی ناچار از ارتکاب جرم می‌شود و اگر شخص درست تربیت نشده باشد و ایمان پشتوانه اخلاق و عامل بازدارنده نباشد، فقدان نمونه کافی (فقر) از انگیزه‌های مؤثر در ارتکاب جرم خواهد بود. لذا قانون اساسی در اصل سوم بند ۱۲ گفته است: یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه است.

منتسکیو در کتاب روح القوانين صفحه ۲۰۰ می‌گوید:

«کراراً دیده شده است که در موارد پیشامدهای ناگوار، دولت برای اصلاح ، متوسل به وضع قوانین سخت شده و خواسته است که بیدرنگ آن را اصلاح کند و به جای قوانین عادی یک کیفر سختی برقرار نموده که فوراً از سانحه جلوگیری نماید، اما با این ترتیب قوه محرکه حکومت فرسوده می‌شود و افکار مردم به مجازات سخت معتاد می‌گردد.

همان طوری که تنبیهات خفیف، مردم را متأثر می‌کرد، آن وقت با تنبیه شدید باید متأثر شوند و رفته رفته ترس از مجازات شدید کمتر می‌شود و باز هم مجبور

می‌شوند بر شدت آن بیفزایند. این سیر تصاعدی معلوم است به کجاها خواهد رسید و نتیجه‌ای هم از آن، برای اصلاح اخلاق گرفته نخواهد شد.»

ایشان پیشنهاد می‌کند که برای جلوگیری از وقوع جرم باید از نیروی طبیعی انسان به نام « خجلت » استفاده کرد و باید آن نیرو را در مردم احیاء کرد تا از ارتکاب به جرم خجالت کشند و از ارتکاب جرم دوری کنند:

بزرگترین قسمت مجازات را ننگ تحمل مجازات قرار بدهیم

به نظر من گفته آقای منتسکیو درست است، ولی بالاتر از آن باید ایمان و اعتقاد به خدا و قیامت و دادگاه عدل الهی را که در فطرت هر انسانی نهاد شده احیاء کنیم و عوامل محیطی ارتکاب جرم را اصلاح سازیم و محیط را با ارتکاب جرم سازگار نکنیم. مثلاً در عوامل اقتصادی: تولید و توزیع عادلانه داشته باشیم و زمینه اشتغال را به تناسب تخصصها و تبحرها برای همه ایجاد کنیم؛ مگر نه این است که باید بر طبق قانون اساسی عمل کنیم که در اصل چهل و سوم بند ۲ می‌گوید: برای تأمین استقلال اقتصادی و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآورده کردن نیازهای انسان در جریان رشد: « تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسائل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسائل کار ندارند، در شکل تعاونی و از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورتهای حاکم بر برنامه‌ریزیهای عمومی اقتصادی کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد. به نظر می‌رسد که برای رسیدن به این اهداف باید چند شغلی بودن را کاهش دهیم و از نیروهای متعهد و مؤمن جوان و صاحب اندیشه استفاده کنیم و اگر بخواهیم به عدالت اجتماعی برسیم به زمامداران اجازه اشتغال به تجارت ندهیم؛ چون زمامداری که تجارت کند مجبور است نیروی فکری خود را برای بهبود بخشیدن به تجارت خود صرف کند و از اندیشیدن در اداره حوزه مسئولیت خود باز ماند.

رفتار خلیفه دوم با یکی از زمامداران که تجارت می‌کرد

خلیفه دوم شنید که ابوهریره، صحابی‌ای که حاکم بحرین بود، پول کلانی داده و اسب خریده است. او را احضار کرد و گفت: برای من خبر آورده‌اند که تو هزار و ششصد دینار داده‌ای و اسب خریده‌ای، این پولها را از کجا آورده‌ای؟ و این اسبها را از کجا خریده‌ای؟! گفت: من تعدادی اسب داشتم اینها زائدند و مقداری پول هم داشتم، در تجارت منفعت کردم و زیاد شد. گفت ترا مادرت فقط برای چراندن الاغ زاییده است، این پولها را از تو می‌گیرم. گفت حق تو نیست که بگیری. از جا بلند شد و چند تازیانه به شانه‌اش زد و نصف پولهایش را گرفت. (خلافت و ولایت از نظر قرآن و سنت - محمد تقی شریعتی)

صاحب روح القوانین در صفحه ۵۳۱ همان کتاب می‌گوید:

«تتوفیل امپراطور روم وقتی دید یکی از کشتیها مملو از مال التجاره‌ای است که به زوجه‌اش تتودور تعلق دارد، دستور داد کشتی را با محصولات آن بسوزانند و سپس گفت من یک امپراطور هستم و شما می‌خواهید مرا یک بازرگان و یا ناخدای کشتی کنید، اگر من و زوجه‌ام تجارت بکنیم در آن صورت افراد ملت، که بایستی از طریق بازرگانی امرار معاش نمایند، چه خواهند کرد؟! خوب بود این امپراطور دنبال گفته خود، این حرف را هم زده بود: من امپراطور هستم و اگر تجارت بکنم کیست که بتواند مطالبات خود را از من وصول کند و برخلاف میل من، مرا به انجام تعهدات خویش وادار نماید؟ من امپراطور هستم و اگر مصمم شدم که فلان کالا را در انحصار خویش درآورم کیست که با من مخالفت کند و در مقابل دکان من دکان باز نماید؟ وقتی که من تجارت کردم درباریان من نیز می‌خواهند تجارت کنند و در آن صورت کیست که بتواند از حرص و آز آنان جلوگیری نماید؟!»

۳- فراهم کردن زمینه ازدواج به موقع

ناکامیهای عشقی غالباً به اعمال مجرمانه منتهی می‌شود. به علاوه کیفیاتی که غرائز جنسی را تحریک می‌کند، غالباً در مورد اشخاصی که برغریزه جنسی خود مسلط

نیستند موجب می‌شود که به ارتکاب جنایت دست بزنند. امروزه یکی از معضلات ازدواج، وجود تشریفات کمرشکن و مهریه‌های سنگین است که توفیق ازدواج به موقع را از جوانان می‌گیرد. ما در جهان فعلی آفات دیر ازدواج کردن، از قبیل فرارها، اغفالها، و... را مشاهده می‌کنیم.

به نظر می‌رسد که عده‌ای، زیاد بودن مقدار مهریه را عامل خوشبختی می‌دانند، در حالی که کم و زیاد بودن مهریه دخالتی در خوشبختی زوجین ندارد.

امام علی (ع) فرمودند: « لا تغالوا بمهور النساء فتکون عداوه »

(در مهرهای زنان غلو نکنید و برای زنان مهرهای سنگین قرار ندهید که این ایجاد

عداوت می‌کند.) وسائل الشیعه باب استحباب قله المهر

امام باقر (ع) می‌فرماید: « من برکه المراه قله مهرها و من شومها کثره مهرها » (زنان با برکت زنانی هستند که مهر آنان کم باشد و زنان شوم آنهایی هستند که بیش از حد متعارف مهر داشته باشند.) با توجه به این حدیث که نمونه آوردیم، پس می‌توانیم در تعیین مقدار مهریه‌ها دخالت و برای آن سقفی تعیین کنیم که نه تنها خلاف شرع نیست بلکه رضایت شرع در این خواهد بود.

متعارف بودن مهریه‌ها طلاق را نیز ساده‌تر می‌کند؛ البته ممکن است تصور شود که اگر مهریه کمتر باشد زندگی مشترک زوجین بی‌دوام خواهد بود، اما به نظر من کم یا زیاد بودن مهریه در دوام زندگی مشترک نمی‌تواند دخالتی داشته باشد؛ چون، اگر بین زوجین عشق، محبت و صفا حاکم باشد، اصلاً به مهریه توجهی نمی‌شود، بلکه عشق حاکم می‌شود. عشق مانع جدایی است، ولی اگر مهریه حاکم و مانع از جدایی باشد نه عشق آن‌گاه اولاً- این زندگی جهنم می‌شود و ثانیاً- ما می‌بینیم که بعد از اختلافات شدید بین زوجین آخر الامر زوجه خود را خلع می‌کند و آزاد می‌شود. پس غیرمتعارف بودن مهریه در زندگی زوجین به عنوان عامل بازدارنده از جدایی، نمی‌تواند نقش ایفاء نماید.

بیشنهادمی گردد، قانونی تصویب شود که برای مهریه سقف تعیین شود و دفترخانه‌ها حق ثبت ازدواجی را که مقدار مهریه‌اش بیش از سقف تعیین شده باشد، نداشته باشند و قانون در اخذ این مهریه کاملاً از زوجه حمایت نماید و اجازه ندهد به بهانه‌های مختلف مرد مهریه را پرداخت نکند و حق زوجه را تضییع کند. این موضوع با شرع نیز منافات ندارد؛ چون از قوانین موضوعه است. در قوانین موضوعه مصلحت جامعه و خانواده‌ها ملاک است و خلاف شرع هم نیست. چنان که از این قبیل قوانین در قانون مدنی کشور زیاد است؛ مثل: اخذ گواهی عدم سازش در طلاق یا فرزند چهارم، که از طرف دولت در خدمات یارانه‌ای حمایت نمی‌شود.

۴- دادگستریها مشاوران متعهد و مؤمنی داشته باشند (غیر از مشاوران حقوقی) و از بعد روانی و اخلاقی، مشکلات فردی و خانوادگی با مجرمین مشاوره کنند و راهنمایی نمایند. مگر این نیست که یکی از وظایف دادگستری «اصلاح مجرمین» است؟

۵- کم کردن فاصله طبقاتی در جامعه

به نظر می‌رسد یکی از عوامل وقوع جرم این باشد که در جامعه فاصله طبقاتی اجتماعی و اقتصادی زیاد است. در جامعه ما هر کس که پست و مقامی نداشته باشد، اکثراً مورد تکریم و محبت دیگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه تحقیر می‌شوند و برخی برای جبران کمبود اجتماعی خود به عامل ارضاء کننده غیر مشروع دست می‌زنند و مرتکب جرم می‌شوند.

فاصله طبقاتی اقتصادی نیز یکی از عوامل مهم ارتکاب جرم است، وقتی در کنار کاخی کوخی ساخته شود، موجب تحقیر و سرافکنندگی صاحب کوخ می‌شود و برای اینکه بتواند خود را تا حدودی به سطح همسایه برساند، موفق نمی‌شود، و به طوری که قبلاً اشاره شد اگر ایمان و اعتقادش ضعیف باشد، برای رسیدن به این هدف به کارهای غیرمشروع دست می‌زند؛ از قبیل: سرقت، رباخواری، اخذ رشوه، گرانفروشی، کم فروشی، و قاچاق و... برای کنترل ثروتها در دین ما، مالیاتهایی مثل زکات و خمس و... برای پولدارها وضع شده است، تا جگرهای سوخته از گرسنگی به فکر

اضرار نباشند. اگر مالیاتها پرداخت شوند و به نیازمندان برسد فقیری پیدا نمی‌شود. یکی از علل مهم وجوب زکات در اسلام از بین بردن فاصله‌های طبقاتی اقتصادی و تا حدودی اجتماعی است.

البته اینها علت تامه وقوع جرم نیستند، بلکه جزء العله هستند که توجه به آنها برای دولت مقدور است و می‌تواند از وقوع جرم تا حدودی پیشگیری نماید. به امید روزی که با عنایت پروردگار عالم و توجه دست‌اندرکاران تربیت (پدر و مادر، روحانی، معلم و استاد) و اقتصاد و سیاست (زمامداران) شاهد کاهش روز به روز جرایم باشیم. ان شاءالله.



منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- باهری، محمد؛ میرزاعلی اکبرخان، داور؛ نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۰
- ۳- جعفری لنگرودی، جعفر؛ ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دهم، ۱۳۷۸
- ۴- شریعتی، محمدتقی؛ خلافت و ولایت از نظر قرآن و سنت، تهران، انتشارات حسینیه ارشاد، چاپ دوم، ۱۳۵۱
- ۵- صانعی، پرویز؛ حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش چاپ هفتم، ۱۳۷۶
- ۶- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۶
- ۱- منتسیکو، روح‌القوانین؛ ترجمه علی‌اکبر مهندسی، تهران، انتشارات سپهر، چاپ هفتم، ۱۳۶۲
- ۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی